



Predicting Psychological Well-Being Based on Basic Psychological Needs: The Mediating Role of Social Networks Addiction

Mahmoud Parchami Khoram ¹, Saeed Imani ², Dariush Ansari ³

1. Master of Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. (Corresponding author)* Assistant Professor, Department of Counseling, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Master of Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

Aim and Background: The aim of this study was to investigate the relationship between basic needs and psychological well-being with mediation of social networks addiction. Social networks addiction is excessive dependence, strong motivation to log in or use, and spending a lot of time on social networks that harm other social activities, studies / jobs, interpersonal relationships, or mental health. Thus, in the last decade, the factors and consequences associated with problematic use of social networks have increased interest and empirical study in this area.

Methods and Materials: The statistical population in this study was people over 18 years old in Hamedan and Shiraz from which 396 people (170 male and 226 female) were selected by convenience sampling method. The instruments used in this study were the basic psychological needs scale (Gagné, 2033), social networks addiction (Panayides and Walker, 2012) and psychological well-being (Ryyf, 1989). Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and path analysis.

Findings: The highest correlation coefficient among the basic needs was related to the need for relatedness with -0.64 and then the needs of autonomy and competence were -0.62 and -0.58, respectively. The correlation coefficient between social networks addiction and psychological well-being was -0.48. Also, the correlation coefficient of basic needs of autonomy, competence and relatedness with psychological well-being were 0.69, 0.60 and 0.66, respectively.

Conclusions: Frustration of basic needs can appear in the form of corrective methods and in the form of excessive use of social networks and pave the way for addictive use of these networks. Frustration of basic needs is also directly and indirectly associated with reduced psychological well-being.

Keywords: basic psychological needs, social networks addiction, psychological well-being

Citation: Parchami Khoram M, Imani S, Ansari D. **Predicting Psychological Well-Being Based on Basic Psychological Needs: The Mediating Role of Social Networks Addiction.** Res Behav Sci, 2022; 20(2): 317-328.

* Saeed Imani,

Email: s_imani@sbu.ac.ir

پیش‌بینی بهزیستی روانی براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی

محمود پرچمی خرم^۱، سعید ایمانی^۲، داریوش انصاری^۳

۱- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- (نویسنده مسئول) * استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه نیازهای بنیادین و بهزیستی روان‌شناختی با میانجی‌گری اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی انجام شد. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی عبارت است از وابستگی بیش از حد، انگیزه قوی برای ورود یا استفاده و صرف زمان و تلاش بسیار برای شبکه‌های اجتماعی که به سایر فعالیت‌های اجتماعی، مطالعات/شغل، روابط بین فردی و یا سلامت روانی آسیب می‌رساند؛ بنابراین، در دهه گذشته، عوامل و پیامدهای مرتبط با استفاده مشکل‌زا از شبکه‌های اجتماعی علاقه و مطالعه تجربی در این حوزه را افزایش داده است.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری در این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال در شهر شیراز و همدان بود که از این جامعه آماری تعداد ۳۹۶ نفر (۱۷۰ مرد و ۲۲۶ زن) با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی (گینه، ۲۰۰۳)، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی (پانایز و والکر، ۲۰۱۲) و بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) بود. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: بالاترین ضریب همبستگی در بین نیازهای بنیادین مربوط به نیاز ارتباط با ۰/۶۴- و بعد از آن نیازهای خودمختاری و شایستگی به ترتیب ۰/۶۲- و ۰/۵۸- بود. ضریب همبستگی بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی نیز ۰/۴۸- به دست آمد. همچنین، ضریب همبستگی نیازهای بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ بود.

نتیجه‌گیری: ناکامی در ارضاء نیازهای بنیادین می‌تواند در قالب روش‌های اصلاحی و به شکل استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی نمایان شده و زمینه‌ساز استفاده اعتیادی از این شبکه‌ها شود. ناکامی در ارضاء نیازهای بنیادین همچنین به صورت مستقیم و غیر مستقیم با کاهش بهزیستی روان‌شناختی مرتبط است.

واژه‌های کلیدی: نیازهای بنیادین روان‌شناختی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، بهزیستی روان‌شناختی.

ارجاع: پرچمی خرم محمود، ایمانی سعید، انصاری داریوش. پیش‌بینی بهزیستی روانی براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای اعتیاد

به شبکه‌های اجتماعی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۴۰۱؛ ۲۰(۲): ۳۲۸-۳۱۷.

*- سعید ایمانی،

رایانامه: s_imani@sbu.ac.ir

مقدمه

اعتیادهای تکنولوژیکی به عنوان اعتیادهای غیر شیمیایی (رفتاری) که شامل تعامل انسان و ماشین است تعریف می‌شود. آن‌ها زیرمجموعه‌ای از اعتیادهای رفتاری هستند که با شش بعد اصلی مدل مؤلفه‌های اعتیاد مشخص می‌شوند: برجستگی، تحمل، تعارض، تغییر خلق، ترک و عود (۱). اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی عبارت است از وابستگی بیش از حد، انگیزه قوی برای ورود یا استفاده و صرف زمان و تلاش بسیار برای شبکه‌های اجتماعی که به سایر فعالیت‌های اجتماعی، مطالعات/شغل، روابط بین فردی و یا سلامت روانی آسیب می‌رساند. افراد دارای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی معمولاً زمان زیادی را صرف فکر کردن در مورد شبکه‌های اجتماعی و اینکه چگونه می‌توانند زمان بیشتری را برای شبکه‌های اجتماعی آنلاین آزاد کنند، صرف می‌کنند. آن‌ها اغلب زمان بیشتری را نسبت به آنچه که در ابتدا در نظر گرفته شده بود، صرف شبکه‌های اجتماعی می‌کنند و برای رسیدن به همان سطح از لذت بیشتر و بیشتر تمایل به شبکه‌های اجتماعی دارند. آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی به منظور کاهش احساس گناه، اضطراب، بی‌قراری، درماندگی و افسردگی استفاده می‌کنند تا مشکلات شخصی را فراموش کنند. اگر از استفاده از شبکه‌های اجتماعی منع شوند، معمولاً دچار استرس، بی‌قراری، پریشانی یا تحریک پذیر می‌شوند و اگر نتوانند در شبکه‌های اجتماعی شرکت کنند، احساس بدی پیدا می‌کنند. وقتی تصمیم می‌گیرند کم‌تر از شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند، موفق به انجام این کار نمی‌شوند (۲)؛ بنابراین، اگرچه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک تشخیص به طور رسمی شناخته نمی‌شود (۳)، اما می‌توان آن را به طور گسترده به عنوان یک وابستگی روانی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی تعریف کرد که ممکن است با وظایف و فعالیت‌های مهم تداخل داشته و در نتیجه عواقب منفی مانند مشکلات سلامت روان را به بار آورد (۴)؛ بنابراین، در دهه گذشته، عوامل و پیامدهای مرتبط با استفاده مشکل‌زا از شبکه‌های اجتماعی علاقه و مطالعه تجربی در این حوزه را افزایش داده است (۵).

شبکه‌های اجتماعی با وجود امکانات متعدد و متنوعی همچون به اشتراک گذاری تصاویر، متن، تبادل نظر و امکان برقراری روابط بین فردی بدون محدودیت‌های زمانی و مکانی نقش بسزایی در ارضاء نیازهای افراد دارند؛ بنابراین، ممکن است منجر به اعتیاد شوند. در همین راستا، مطالعات نشان داده‌اند که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی تحت تأثیر نیازهای روانی است (۶).

۷). نیازهای بنیادین روان‌شناختی به صورت فطری و همگانی در درون همه افراد وجود داشته، نقش مهمی در هدایت رفتارها ایفا نموده و انگیزش لازم برای درگیری فعال با محیط، عملکرد سالم روان‌شناختی و پرورش مهارت‌ها را فراهم می‌نماید (۸).

دسی و رایان (۹) در چهارچوب نظریه خود تعیین‌گری نشان دادند که اساس همه انگیزه‌های انسانی در سه نیاز همگانی خودمختاری، شایستگی و ارتباط نهفته است. نیاز به خودمختاری بیانگر این ضرورت است که شخص احساس کند فعالیتی که در آن درگیر است آزادانه توسط وی انتخاب شده و به طور کامل او را بیان می‌کند. نیاز به شایستگی نشان‌دهنده نیاز فرد به احساس تأثیر در هنگام انجام فعالیت و در هنگام تعامل با محیط است. سرانجام، نیاز به ارتباط نیز به معنای تمایل افراد به برخورداری از احترام متقابل و احساس تعلق به دیگران، به ویژه دیگران مهم است (۱۰). تحقیقات تجربی نشان داده است افرادی که نیازهای روان‌شناختی بنیادی آن‌ها در زندگی واقعی برآورده نمی‌شود، بیش‌تر دچار آشفتگی روان‌شناختی می‌شوند (۱۱) و در سایر زمینه‌های اجتماعی برای ارضاء آن تلاش می‌کنند (۹). نظریه استفاده جبرانی از اینترنت (۱۲) نیز فرض می‌کند برآورده نشدن نیازهای روانی در زندگی واقعی و ناملايمات زندگی می‌تواند افراد را به دنبال آسایش روان‌شناختی و بازیابی احساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط از طریق فضای مجازی برانگیزد. در همین راستا، نتایج برخی از مطالعات نیز نشان می‌دهد که فضای اینترنت به طور کلی، یک بستر بالقوه برای برآوردن نیازهای روانی است (۱۳، ۱۴).

رفتارهای اعتیادی و از آن جمله اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی عامل مهمی در ایجاد پیامدهای منفی است؛ زیرا ممکن است به عادات‌های طولانی مدت تبدیل شوند و اثرات منفی بر ابعاد مختلف زندگی افراد شامل سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی و مهارت‌های اجتماعی دارند (۱۵، ۱۶). تحقیقات مربوط به انگیزه‌ها و تأثیرات شبکه‌های اجتماعی در سلامت روان و اجتماعی جوانان از دهه گذشته بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی سیستماتیک ۶۵ مطالعه اخیراً ارتباط مثبتی بین استفاده از فیس‌بوک و علائم اصلی اختلالات روان‌پزشکی پیدا کرده است (۱۷). برخی از نویسندگان دریافته‌اند که افزایش استفاده از فیس‌بوک باعث کاهش احساس لحظه‌به‌لحظه بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی در فرد می‌شود (۱۸، ۱۹). بهزیستی روان‌شناختی مفهومی برگرفته از روانشناسی مثبت نگر و به معنای تلاش برای شکوفایی

استعدادها و توانایی‌های بالقوه است که درک و توانایی شخص را از کیفیت کلی زندگی نشان می‌دهد (۲۰). بهزیستی روان‌شناختی برای عملکرد مثبت انسان حیاتی است اما به شدت به رفتارهای اعتیادی حساس است (۲۱). در همین راستا، مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی و معناداری دارد (۲۵-۲۲).

استفاده روز افزون از شبکه‌های اجتماعی در جوامع مختلف در حال گسترش است. ابعاد کاربردی متعدد این شبکه‌ها نظیر دریافت اخبار و اطلاعات، برقراری روابط بین فردی، فعالیت‌های اقتصادی در قالب بازاریابی و فروشگاه‌های آنلاین و بحث و تبادل نظر در حوزه‌های مختلف، ضمن فراهم آوردن شرایط مساعد برای انواع مختلف ارتباطات و سهولت انجام کارها، خطر استفاده بیش از اندازه و در تعاقب آن وابستگی و استفاده اعتیادی را نیز به همراه دارد. در نتیجه، شناخت عوامل پیش‌بینی کننده اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و نقش مهمی در تدوین برنامه‌های آموزشی، پیشگیری و مداخلاتی دارد. همچنین، بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه پدیده اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نشان دهنده محدودیت‌ها و خلأهای پژوهشی مهمی به ویژه در مطالعات داخل کشور بود. از جمله آن‌ها: توجه ناکافی به نقش نیازهای بنیادین به عنوان یکی مهم‌ترین عوامل راه‌انداز و هدایت کننده رفتارها، توجه به اثرات بهزیستی روان‌شناختی پایین بر گرایش به اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و نه اثرات اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر بهزیستی روان‌شناختی و همچنین مطالعه‌ای به شکل مدل مطالعه حاضر که ارتباط نیازهای بنیادین روان‌شناختی و بهزیستی روانی را با میانجی‌گری اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بررسی کرده باشد، یافت نشد. در همین راستا، پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ داده است که آیا نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌تواند پیش‌بینی کننده بهزیستی روانی از طریق اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی باشد؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال در شهر شیراز و همدان بود. قبل از ارائه پرسشنامه به شرکت‌کنندگان از دارا بودن سن بالای ۱۸ سال آن‌ها، اطمینان حاصل شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد که ۳۹۶ پرسشنامه اجرا شده

وارد فرایند مطالعه شد. از این نمونه تعداد ۲۲۶ نفر زن و تعداد ۱۷۰ نفر مرد بود. دامنه سنی شرکت‌کنندگان از ۱۸ سال تا ۲۹ و میانگین سنی آن‌ها ۲۶/۴۶ بود. تحصیلات شرکت‌کنندگان در این پژوهش از زیر دیپلم تا دکتری بود. همچنین، از این نمونه تعداد ۱۸۶ نفر متأهل و تعداد ۲۱۰ نفر مجرد بودند. پرسشنامه‌ها به صورت فرد به فرد بین افراد توزیع شد. برای افزایش دقت در تکمیل پرسشنامه‌ها، توضیحات لازم در مورد پرسشنامه‌ها، نحوه پاسخگویی به سؤالات، هدف از اجرای پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات دریافتی به افراد ارائه شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، فرایند نمره گذاری انجام و داده‌ها در نرم افزار SPSS و AMOS وارد شد. تجزیه و تحلیل آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. در سطح توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی و در سطح استنباطی آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر انجام شد. پرسشنامه‌هایی که در پژوهش حاضر استفاده شد، به شرح زیر می‌باشد.

مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی (۲۱)

سؤالی: مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی شامل ۲۱ گویه است و توسط گینه (۲۶) جهت اندازه‌گیری ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در سطح عمومی ساخته شده است. گویه‌های مؤلفه‌های این مقیاس (خود پیروی، شایستگی و ارتباط) در اندازه‌های هفت درجه‌ای لیکرت از نمره یک (اصلاً درست نیست) تا نمره هفت (کاملاً درست است) سنجش می‌گردد. نمره بالاتر در هر مؤلفه نشان دهنده سطح بالاتر ارضای آن نیاز است. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین در سطح عمومی در پژوهش‌های خارجی به صورت مقدماتی مورد تأیید قرار گرفته است (۲۶). در ایران نیز ضرایب آلفای کرونباخ نمره مؤلفه‌ی خودمختاری، شایستگی و ارتباط برای جمعیت عمومی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۹۲ و برای دانشجویان به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۷ و ۰/۹۱ محاسبه شد که نشان از همسانی درونی مطلوب مقیاس دارد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های جمعیت عمومی ($n=137$) در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی باز آزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای نمره مؤلفه‌های خود پیروی، شایستگی و پیوستگی به ترتیب ۰/۷۷-۰/۷۳ و ۰/۶۸- که در سطح $p < 0/01$ معنادار بودند. در نهایت این نتایج نشان از پایایی باز آزمایی رضایت‌بخش مقیاس دارد (۲۷). در

متغیرها نیز بررسی شد که مقادیر آن برای تمام متغیرها در دامنه ۱- تا ۱+ بود؛ بنابراین، با تأیید نرمال بودن شکل توزیع، از آزمون همبستگی پارامتریک پیرسون برای بررسی رابطه متغیرها استفاده شد.

جدول ۱. آماره های توصیفی، چولگی و کشیدگی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
۱. خودمختاری	۲۸/۶۳	۶/۴۰	-۰/۵۲۷	۰/۴۲۴
۲. شایستگی	۲۷/۱۴	۶/۵۶	-۰/۵۷۳	۰/۱۰۶
۳. ارتباط	۳۷/۱۲	۷/۶۹	-۰/۹۰۴	۰/۴۲۵
۴. اعتیاد به شبکه‌ها	۴۵/۲۰	۲۱/۳۸	-۱/۰۴	-۰/۲۵۱
۵. بهزیستی	۶۶/۲۵	۱۹/۸۴	-۰/۹۱۴	۰/۰۵۳

مطابق با نتایج به دست آمده در جدول شماره ۱ بالاترین میانگین در بین نیازهای بنیادین مربوط به نیاز ارتباط با ۳۷/۱۲ و بعد از آن نیاز خودمختاری با ۲۸/۶۳ و کمترین میانگین مربوط به نیاز شایستگی با ۲۷/۱۴ بود. همچنین، میانگین اعتیاد به شبکه‌های و بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب ۴۵/۲۰ و ۶۶/۲۵ به دست آمد. بررسی نتایج آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان داد متغیر وابسته بهزیستی روان‌شناختی با تمامی متغیرهای مستقل و میانجی شامل خودمختاری، شایستگی، ارتباط و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی رابطه معنادار دارد ($p < 0.05$) که در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

مطابق نتایج جدول ۲ بالاترین ضریب همبستگی در بین نیازهای بنیادین مربوط به نیاز ارتباط با ۰/۶۴- و بعد از آن نیازهای خودمختاری و شایستگی به ترتیب ۰/۶۲- و ۰/۵۸- بود. ضریب همبستگی بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی نیز ۰/۴۸- به دست آمد. همچنین، ضریب همبستگی نیازهای بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ بود.

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱. خودمختاری	۱				
۲. شایستگی	۰/۳۸**	۱			
۳. ارتباط	۰/۵۷**	۰/۴۷**	۱		
۴. اعتیاد به شبکه‌ها	-۰/۶۳**	-۰/۵۸**	-۰/۶۴**	۱	
۵. بهزیستی	۰/۶۹**	۰/۶۰**	۰/۶۶**	-۰/۴۸**	۱

پژوهش حاضر نیز ضرایب کرونباخ مؤلفه‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۰ و ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی (۲۰)

سؤالی: این پرسشنامه توسط پاناییدز و والکر (۲۸) ساخته شده است. این پرسشنامه براساس پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۹) و با تغییر واژه‌ها از اینترنت به شبکه‌های اجتماعی تنظیم شده و ۲۰ سؤال دارد. مقیاس نمره گذاری پرسشنامه در قالب لیکرت شش درجه‌ای (به ندرت ۱، گاهی ۲، غالباً ۳، به کرات ۴، همیشه ۵، شامل حال من نمی‌شود ۰) است. دامنه نمره‌ها در این آزمون بین ۲۰ تا ۱۰۰ است. اعتبار پرسشنامه اصلی اعتیاد به اینترنت یانگ ۰/۹۰ گزارش شده است (۲۸). روایی ساختاری و صوری این ابزار نیز در مطالعه مظاهری نژاد فرد و حسین ثابت (۲۰۱۷) تأیید شده است (۲۹). ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه حاضر ۰/۹۳ به دست آمد.

مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۸ سؤالی):

این مقیاس توسط ریف در سال ۱۹۸۹ ساخته شد و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس دارای شش عامل استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود می‌باشد. همچنین مجموع نمرات این شش عامل به‌عنوان نمره کلی بهزیستی روان‌شناختی محاسبه می‌شود. این آزمون در یک پیوستار ۶ درجه‌ای از کاملاً مخالفم «۱» تا کاملاً موافقم «۶» پاسخ داده می‌شود. این نسخه توسط خانجانی و همکاران (۳۰) در ایران روی نمونه‌ی دانشجویی هنجار شد و همسانی درونی مطلوبی با توجه به آلفای کرونباخ برای آن به دست آمد. ضرایب به دست آمده برای شش عامل استقلال «۰/۷۲»، تسلط بر محیط «۰/۷۶»، رشد شخصی «۰/۷۳»، ارتباط مثبت با دیگران «۰/۷۵»، هدفمندی در زندگی «۰/۵۲» و پذیرش خود «۰/۵۱» و برای کل مقیاس ۰/۷۱ می‌باشد. ضریب کرونباخ کل مقیاس در مطالعه حاضر ۰/۶۸ بود.

یافته‌ها

ابتدا شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار) نیازهای بنیادین روان‌شناختی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی بررسی شد. همچنین، آماره کجی و کشیدگی

در این آزمون ۰/۳۴۱ بود که با توجه به اینکه از سطح ۰/۰۵ بالاتر است نرمال بودن داده‌ها تأیید شد.

براساس ضرایب استاندارد به دست آمده در شکل ۱، قوی-ترین رابطه مربوط به رابطه نیاز به ارتباط و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با ضریب ۰/۴۵- و بعد از آن مربوط به رابطه خودمختاری و بهزیستی با ضریب ۰/۴۵+ است. در همین راستا، نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

در بین شاخص‌های برازش مدل، مقدار ریشه میانگین مجزورات خطای برآورد (RMSEA) خارج از محدوده مطلوب (کمتر از ۰/۰۵) و در محدوده قابل قبول (۰/۰۵ تا ۰/۰۸) قرار دارد. سایر شاخص‌های برازش نیز در محدوده متوسط و قابل قبول هستند. نتایج شاخص‌های برازش مدل حاکی از برازش مطلوب مدل طراحی شده مبنی بر نقش واسطه‌ای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در رابطه نیازهای بنیادین و بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد؛ بنابراین، برازندگی مدل به طور کلی در سطح مناسبی قابل تأیید است. نتایج مربوط به ضرایب مسیر استاندارد و سطوح معناداری آن‌ها در جدول شماره ۵ گزارش شده است.

براساس نتایج جدول ۵ اثرات مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی منفی و معنادار بود ($P < 0.01$). اثر مستقیم اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر بهزیستی منفی و معنادار بود ($P < 0.01$). همچنین، اثرات مستقیم و غیرمستقیم نیازهای بنیادین بر بهزیستی نیز معنادار بود ($P < 0.01$).

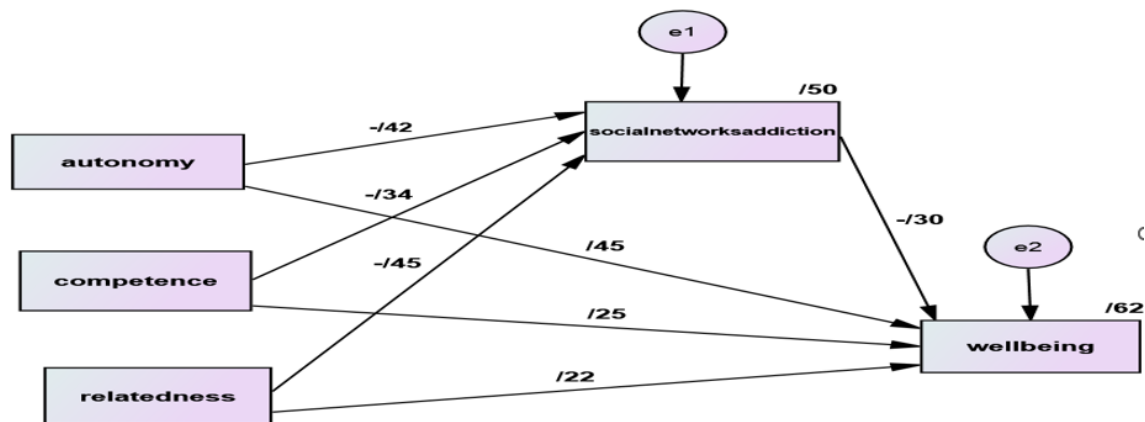
مدل مفهومی پژوهش جهت بررسی نقش واسطه‌ای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در رابطه بین نیازهای بنیادین و بهزیستی روان‌شناختی، با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا، ابتدا پیش فرض استقلال مشاهدات از طریق آزمون دوربین - واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه حاصل از آن ۱/۹۳ به دست آمد (محدوده مناسب ۱/۵ تا ۲/۵). جهت بررسی پیش فرض عدم هم خطی بین متغیرهای مستقل نیز از شاخص‌های تلورانس و VIF استفاده شد.

جدول ۳. VIF و Tolerance برای بررسی مفروضه هم خطی

چندگانه متغیرها

متغیر	VIF	Tolerance
خودمختاری	۱/۸۷	۰/۵۳۳
شایستگی	۱/۵۴	۰/۶۴۶
ارتباط	۱/۹۲	۰/۴۸۰
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	۲/۰۳	۰/۳۴۲

مقادیر به دست آمده در شاخص تلورانس خودمختاری ۰/۵۳۳، شایستگی ۰/۶۴۶، ارتباط ۰/۴۸۰ و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ۰/۳۴۲ و در شاخص VIF خودمختاری ۱/۸۷، شایستگی ۱/۵۴، ارتباط ۱/۹۲ و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ۲/۰۳ بود که نشان دهنده عدم هم خطی چندگانه است. همچنین، به منظور بررسی پیش فرض نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف نیز استفاده شد. سطح معناداری به دست آمده برای متغیر وابسته یعنی بهزیستی روانی



شکل ۱ مدل تجربی در حالت ضرایب مسیر استاندارد

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازش	IFI	NFI	CFI	GFI	RMSEA	df	CIMN/df
معیار	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۰۸	در بازه ۱ تا ۵	
نتیجه	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۰۶۳	۳	۲/۹۲

جدول ۵. نتایج روابط ساختاری

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	p
اثر خودمختاری بر اعتیاد شبکه‌های اجتماعی	-۰/۴۲	-	۰/۰۱
اثر شایستگی بر اعتیاد شبکه‌های اجتماعی	-۰/۳۴	-	۰/۰۱
اثر ارتباط بر اعتیاد شبکه‌های اجتماعی	-۰/۴۵	-	۰/۰۱
اثر اعتیاد شبکه‌های اجتماعی بر بهزیستی	-۰/۳۰	-	۰/۰۱
اثر خودمختاری بر بهزیستی	۰/۴۵	۰/۱۳	۰/۰۱
اثر شایستگی بر بهزیستی	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۰۱
اثر ارتباط بر بهزیستی	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۰۱

مختلف ویدئو، عکس و متن، می‌تواند بستری را برای تعامل مؤثر با محیط (تحریک نیاز به شایستگی) و دریافت بازخورد مثبت از این تعامل (ارضاء نیاز شایستگی) فراهم آورد. به عنوان مثال، فردی که مهارت خودش در یک زمینه (مثلاً تسلط بر نواختن یک ساز موسیقی) را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارد ممکن است هدفش از این فعالیت ارضاء شایستگی از طریق تأثیرگذاری بر تجارب هیجانی که مخاطبان با شنیدن انواع موسیقی می‌توانند تجربه کنند، باشد. ارتباط، یکی دیگر از سه نیاز بنیادین روان‌شناختی است. شبکه‌های اجتماعی شرایط آسان‌تر و در دسترس‌تری را به طور گسترده برای برقراری روابط بین فردی در مقایسه با دنیای واقعی فراهم آورده است. به طوری که در بستر این شبکه‌ها بدون وجود محدودیت‌های زمانی و به ویژه محدودیت‌های مکانی دنیای واقعی به راحتی می‌توان با افراد مختلف روابط بین فردی برقرار کرد.

اما از آنجایی که صفحات عمومی و پر مخاطب شبکه‌های اجتماعی که در زمینه اخبار و اطلاعات، مد و استایل و معرفی انواع کالا و خدمات فعالیت می‌کنند، همانند سایر رسانه‌ها در راستای رسیدن به اهداف خود تلاش دارند تا به افکار مخاطبان جهت داده و احساس نیاز و تقاضا برای آنچه که آن‌ها تولید و عرضه می‌کنند، شکل بگیرد، افراد در شبکه‌های اجتماعی هم عملاً انتخاب‌های مبتنی بر خودمختاری را تجربه نمی‌کنند. علاوه بر این، فعالیت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی بسیاری از رفتارها و تصمیم‌گیری‌های با اهمیت و تعیین‌کننده در زندگی انسان‌ها را در شامل نمی‌شوند. به عنوان مثال، انتخاب بین تحصیلات دانشگاهی و یا وارد

لازم به ذکر است که معناداری نتایج به دست آمده در مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم از طریق روش بوت استرپ با تعداد نمونه‌گیری مجدد ۵۰۰۰ در نرم افزار Amos به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با نقش واسطه‌ای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی انجام شد.

مطابق با مطالعات انجام شده (۳۱-۳۵)، یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار نیازهای بنیادین و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بود. اگر افراد نتوانند نیازهای روانی خود را برای مدت طولانی در یک زمینه اجتماعی برآورده سازند، دچار ناسازگاری می‌شوند یا انگیزه آن‌ها برای جستجوی ارضاء در سایر زمینه‌های اجتماعی می‌شود (۹). ویژگی‌ها و امکانات موجود در شبکه‌های اجتماعی با شرایط مورد نیاز برای ارضا نیازهای بنیادین همپوشانی دارد. این ویژگی متمایز اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در مقایسه با اعتیادهای دارویی است. شبکه‌های اجتماعی با ارائه گزینه‌های متنوع و متعدد بیش‌تر نسبت به فضای واقعی، شرایطی را فراهم می‌آورند که افراد احساس می‌کنند با محدودیت‌های فضای واقعی مواجه نیستند و می‌توانند هر زمان و هر نوع از محتوا و فعالیتی که تمایل به پرداختن به آن را دارند، به راحتی انتخاب کنند؛ بنابراین، می‌تواند به عنوان فضایی برای ارضاء خودمختاری ناکام شده در فضای واقعی به نظر برسد. همچنین، این شبکه‌ها با در اختیار گذاشتن امکان به اشتراک گذاری انواع محتوا در اشکال

مهارت‌ها را به کار می‌گیریم و این دنیای واقعی است که ما در آن با چالش‌های مختلفی مواجه می‌شویم.

فضای شبکه‌های اجتماعی ضمن فراهم آوردن امکان برقراری روابط بین فردی بدون محدودیت‌های زمانی و مکانی، سایر محدودیت‌های دنیای واقعی از جمله هنجارها و قوانین اجتماعی و به ویژه نظام ارزشی و هنجاری خانواده‌ها در مورد روابط بین فردی با دیگران (به عنوان مثال روابط با جنس مخالف یا افراد بزرگسال و غریبه) را نیز ندارند؛ بنابراین، این جنبه از امکانات شبکه‌های اجتماعی چنانچه در نتایج پژوهش حاضر نیز به دست آمد، می‌تواند نقش مهم‌تری در جذابیت این شبکه‌ها برای افراد ایفا کند؛ اما ارتباط در شبکه‌های اجتماعی به شکل ارائه خود ایده آل از طریق دستکاری عکس‌های منتشر شده انجام می‌شود (۲۲). به ویژه وقتی افراد با مخاطبان بزرگ‌تری ارتباط برقرار می‌کنند (از جمله در شبکه‌های اجتماعی)، نیاز شدیدتری به ارائه تصویر مثبت دارند (۳۶)؛ بنابراین، استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر به معرفی و تبلیغ خود متمرکز است تا ایجاد و حفظ روابط (۳۷). در نتیجه، روابط بین فردی در شبکه‌های اجتماعی نمی‌تواند اطمینان خاطر از پذیرفته شدن توسط دیگران و ارضاء نیاز ارتباط را فراهم آورد.

همچنین، نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های انجام شده مطابقت دارد (۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵). رفتارهای اعتیادی موجب تداخل در بخش‌های مختلف زندگی افراد شده و به ابعاد مختلف سلامت روان‌شناختی از جمله بهزیستی روانی آسیب وارد می‌کنند. صرف مدت زمان زیاد و به شکل اعتیادی در شبکه‌های اجتماعی منجر به کاهش مدت زمان مورد نیاز برای دنبال کردن اهداف و برنامه‌های زندگی و ارتقا رشد شخصی می‌شود. به ویژه آن که پیگیری اهداف و برنامه‌های زندگی و رشد شخصی به طور طبیعی همواره با چالش‌ها و موانع واقعی و یا نگرش‌ها و پیش‌بینی‌های منفی شامل ترس از شکست در رسیدن به آن‌ها همراه است که وقت‌گذرانی در شبکه‌های اجتماعی با کمک به منحرف کردن توجه افراد از این حالات ناخوشایند می‌تواند استفاده بیش‌تر از شبکه‌های اجتماعی را تقویت کند. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با جایگزین کردن روابط مجازی سطحی و ناپایدار به جای روابط واقعی و مفید می‌تواند موجب تعارضات بین فردی به ویژه در روابط زناشویی و کاهش میزان بودن با خانواده و دوستان شده و از همین طریق افراد را در روابط بین فردی به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی دچار مشکل و انزوا کند. همچنین، در بستر

بازار کار شدن بعد از اتمام دوره دبیرستان یکی از تصمیمات بسیار مهم و تعیین کننده در زندگی افراد است که هرکدامشان با دارا بودن مزایا و معایب خاص خودشان، برای بسیاری از افراد شرایط متعارض و دشواری را برای انتخاب ایجاد می‌کنند؛ بنابراین، ارضاء نیاز به خودمختاری در فعالیت‌های اصلی زندگی، در نهایت باید در دنیای واقعی صورت بگیرد. از طرفی دیگر، پایین بودن خودمختاری امکان کنش و واکنش مبتنی بر توانمندی‌ها و گرایش‌های اصیل درونی را کاهش داده و موجب ضعف در برابر تکانه‌های لحظه‌ای و غیر اصیل می‌شود که در ابعاد رفتاری می‌تواند منجر به استفاده بیش از حد و اعتیاد آور از شبکه‌های اجتماعی شود. چرا که افراد با خودمختاری پایین در مواجه با انواع متعدد و متنوع محرک‌های دیداری و شنیداری با محتوای مختلف مد و استایل، هنری، اخبار زرد و سکشوال قادر به مدیریت نوع و مدت زمان فعالیت خودشان در شبکه‌های اجتماعی نخواهند بود. در نتیجه، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی به جای ارضاء نیاز خودمختاری، موجب استفاده نامناسب و اعتیادی می‌شود. در مقابل، آنچه در فضای واقعی در ارتباط با ارضاء نیاز خودمختاری رخ می‌دهد و منجر به ارضاء نیاز خودمختاری می‌شود، انتخاب و مهارت آموزی در زمینه فعالیت‌های مورد علاقه و انجام این فعالیت‌ها است؛ اما آنچه در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد صرفاً دنبال کردن این فعالیت‌ها و ترجیحات مورد علاقه است که در فضای واقعی به دلایل مختلف افراد در پرداختن به آن‌ها شکست خورده‌اند.

همچنین، در ارتباط با نیاز به شایستگی، این واقعیت وجود دارد که تعداد بسیار محدودی از افراد از طریق به اشتراک گذاشتن مهارت‌های خود (تسلط بر یک ساز موسیقی) در شبکه‌های اجتماعی به ارضاء نیاز شایستگی خود اقدام می‌کنند. در واقع، بیش‌تر افراد با به اشتراک گذاشتن داشته‌های مادی و یا به نمایش گذاشتن ویژگی‌های ظاهری خود که اغلب با استفاده از امکانات فیلترگذاری به شکل اغراق آمیزی مورد دستکاری قرار می‌گیرد و نه مهارت‌های تعامل مؤثر با محیط، برای ارضاء نیاز شایستگی تلاش می‌کنند. در نتیجه، حتی با دریافت بازخوردهای مثبت توسط دیگران نیز احساس تأثیرگذاری در محیط و غلبه بر چالش‌ها تجربه نمی‌شود. علاوه بر این، در ارتباط به اشتراک گذاری مهارت‌ها در شبکه‌های اجتماعی، این واقعیت نیز وجود دارد که در حالی که شبکه‌های اجتماعی فقط امکان انتشار و به اشتراک گذاری برخی از مهارت‌ها را فراهم می‌کند، ارضاء نیاز شایستگی در تسلط پیدا کردن بر چالش‌هایی رخ می‌دهد که در مواجه با آن‌ها این

چالش‌های پیش روی این خواسته‌ها و تمایلات به جای ترس و اجتناب از آن‌ها، بتوانند برای زندگی خود اهدافی را تعیین و برای رسیدن به آن‌ها اقدام کنند و در این مسیر به ارتقا رشد شخصی-شان نیز بپردازند. در واقع، ارضاء شدن نیازهای بنیادین از صرف انرژی روانی زیاد برای مواجه و مقابله با حالات ناخوشایند هیجانی ناشی از عدم ارضاء آن جلوگیری کرده و در نتیجه این انرژی روانی صرف فرایندهای روانی و رفتاری سازنده همچون روابط بین فردی سازگاران و دنبال کردن اهداف و برنامه‌های رشد شخصی خواهد شد.

عدم ارضاء نیازهای بنیادین موجب ناسازگاری و تجارب ناخوشایند روان‌شناختی می‌شود. در نتیجه، احتمال اینکه افراد در قالب راهبردهای مقابله‌ای برای حواس پرتی از این تجارب ناخوشایند از شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند تا اینکه برای ارضاء نیازها، بیش‌تر است. چرا که نیازهای روان‌شناختی انگیزه‌های درونی هستند که در صورت کمبود یک تجربه ضروری، رفتارهای اصلاح کننده را بر می‌انگیزند (۹)؛ بنابراین، شکست در ارضاء نیازهای بنیادین ضمن ارتباط با رفتارهای اعتیادی و از جمله آن‌ها اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، به شکل مستقیم و غیرمستقیم اثرات منفی در بهزیستی روان‌شناختی افراد دارد.

محدودیت مهم در این پژوهش گستره سنی بالای افراد نمونه بود (۱۸ تا ۶۹ سال) که موجب عدم معناداری ارتباط بین متغیرها شده بود. با حذف سنین بالای ۲۹ سال، روابط معنادار بین متغیرهای پژوهش برقرار شد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد افراد در گروه‌های سنی مختلف، مشکلات ناشی از عدم ارضاء نیازهای بنیادین را به شکل‌های متفاوتی بروز می‌دهند. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های مطالعه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های سنی مختلف را به صورت مجزا مورد بررسی قرار دهند.

تقدیر و تشکر

در پایان از همکاری کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش که وقت ارزشمندشان را در اختیار ما قرار دادند کمال تشکر و سپاس را داریم.

شبکه‌های اجتماعی به دلیل وجود انواع ابزارهای فیلتر گذاری بر روی تصاویر و ویدئوها، گرایش افراد به ارائه تصویر مثبت و ایده آل از خود و اینکه تنها بخش محدود و انتخابی از شرایط زندگی افراد به اشتراک گذاشته می‌شود، افراد در شبکه‌های اجتماعی به صورت مداوم تنها در معرض جنبه‌های مثبت دیگران قرار دارند. این شرایط می‌تواند آسیب‌های جدی برای پذیرش خود افراد (به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های بهزیستی) و به ویژه افراد دارای عزت نفس پایین یا دارای نگرش‌های منفی به خود، در پی داشته باشد. در مقابل، برخی از مطالعات نشان دادند بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی روانی ارتباط مثبت وجود دارد (۳۸، ۳۹، ۴۰). براساس نتایج این مطالعات ارتباط مثبت یا منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عوامل دیگری غیر مدت زمان صرف شده در این شبکه‌ها بستگی دارد. به عنوان مثال در مطالعه وردوان و همکاران (۳۸) نتایج به دست آمده نشان دادند که بین استفاده فعال از شبکه‌های اجتماعی ارتباط مثبت با بهزیستی روانی دارد و استفاده منفعل، ارتباط منفی. همچنین، این مطالعات انواع مختلفی از شبکه‌های اجتماعی را بررسی کرده‌اند و تفاوت‌های مهمی بین انواع شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که همین امر موجب تفاوت در استفاده از این شبکه‌ها و در نتیجه تأثیرات متفاوت هرکدام از آن‌ها شده است. به عنوان مثال، در بین شبکه‌های اجتماعی موجود، اینستاگرام به علت آنکه امکان بیش‌تری برای به اشتراک گذاری تصاویر و ویدئوها و استفاده از فیلترهای مختلف برای ایجاد تغییرات در تصاویر کاربران را فراهم نموده است، جذابیت و وابستگی بیش‌تری نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده است. در نتیجه، زمینه بیش‌تری برای استفاده اعتیادی و در تعاقب آن تأثیرات منفی بر بهزیستی روانی دارد. مطالعه‌ای مبنی بر ارتباط مثبت اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی روانی یافت نشد.

ارتباط نیازهای بنیادین روان‌شناختی و بهزیستی روانی در این پژوهش مثبت و معنادار به دست آمد. این یافته با نتایج پژوهش‌های انجام شده مطابقت دارد. (۴۱، ۴۲) نیازهای روان‌شناختی بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط به عنوان بخشی از مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی نیز شناخته می‌شوند؛ بنابراین، ارضا نیازهای بنیادین می‌تواند ارتباط مستقیمی با افزایش بهزیستی داشته باشد. علاوه بر این، ارضا نیازهای بنیادین به افراد کمک می‌کند تا ضمن بهره‌مندی از روابط حمایتگر با دیگران، با استفاده از جهت‌گیری‌های خودمختارانه برای دنبال کردن خواسته‌ها و تمایلاتشان و به کار بردن مهارت‌ها و استعدادها برای غلبه بر

References

1. M G. A 'components' model of addiction within a biopsychosocial framework. *Journal of Substance use*. 2005;1;10(4):191-7.
2. Schou Andreassen C PS. Social network site addiction-an overview. *Current pharmaceutical design*. 2014;1;20(25):4053-61.
3. Moqbel M KN. Unveiling the dark side of social networking sites: Personal and work-related consequences of social networking site addiction. *Information & Management*. 2018;1;55(1):109-19.
4. Keles B MN, Grealish A. A systematic review: the influence of social media on depression, anxiety and psychological distress in adolescents. *International Journal of Adolescence and Youth*. 2020;31;25(1):79-93.
5. Kuss DJ GM. Social networking sites and addiction: Ten lessons learned. *International journal of environmental research and public health*. 2017;14(3):311.
6. Foroughi B IM, Nikbin D, Hyun SS. Are depression and social anxiety the missing link between Facebook addiction and life satisfaction? The interactive effect of needs and self-regulation. *Telematics and Informatics*. 2019;1;43:10247.
7. Park N LS. College students' motivations for Facebook use and psychological outcomes. *Journal of broadcasting & electronic media*. 2014;2;58(4):601-20.
8. Talley AE KL, Schlegel RJ, Molix L, Bettencourt BA. Social roles, basic need satisfaction, and psychological health: The central role of competence. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 2012;38(2):155-73.
9. Deci EL RR. The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*. 2000;1;11(4):227-68.
10. Ryan RM DE. Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness. Guilford Publications; 2017.
11. Yu C LX, Zhang W. Predicting adolescent problematic online game use from teacher autonomy support, basic psychological needs satisfaction, and school engagement: A 2-year longitudinal study. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*. 2015;1;18(4):228-33.
12. D K-W. A conceptual and methodological critique of internet addiction research: Towards a model of compensatory internet use. *Computers in human behavior*. 2014;1(31):351-4.
13. Greitemeyer T MD, Bollermann I. Having responsive Facebook friends affects the satisfaction of psychological needs more than having many Facebook friends. *Basic and Applied Social Psychology*. 2014;1;36(3):252-8.
14. Lin H TW, Qiu L. Emotional disclosure on social networking sites: The role of network structure and psychological needs. *Computers in Human Behavior*. 20014;1(41):342-50.
15. G L. Adverse physiological and psychological effects of screen time on children and adolescents: Literature review and case study. *Environmental research*. 2018;1;164:149-57.
16. Savolainen I KM, Sirola A, Oksanen A. Addictive behaviors and psychological distress among adolescents and emerging adults: A mediating role of peer group identification. *Addictive behaviors reports*. 2018;1;7:75-81.
17. Frost RL RD. A systematic review of the mental health outcomes associated with Facebook use. *Computers in Human Behavior*. ۲۰۱۷;۶۶:۵۷۶-۶۰۰;۱;۲۰۱۷.
18. Chou HT EN. "They are happier and having better lives than I am": The impact of using Facebook on perceptions of others' lives. *Cyberpsychology, behavior, and social networking*. 2012;1;15(2):117-21.
19. Kross E VP, Demiralp E, Park J, Lee DS, Lin N, Shablack H, Jonides J, Ybarra O. Facebook use predicts declines in subjective well-being in young adults. *PloS one*. 2013;14;8(8).
20. Wu X GX, Wang W. Subjective well-being and academic performance among middle schoolers: A two-wave longitudinal study. *Journal of Adolescence*. 2020;1;84:11-22.

21. Martinez-Pecino R G-GM. Likes and problematic Instagram use: The moderating role of self-esteem. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*. 2019;1;22(6):412.
22. de Lenne O VL, Eggermont S, Karsay K, Trekels J. Picture-perfect lives on social media: a cross-national study on the role of media ideals in adolescent well-being. *Media psychology*. 2020;2;23(1):52-78.
23. Duradoni M IF, Guazzini A. Well-being and social media: a systematic review of Bergen addiction scales. *Future Internet*. 2020;12(2):24.
24. Fioravanti G PA, Casale S. Taking a short break from Instagram: The effects on subjective well-being. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*. 2020;1;23(2):107-12.
25. Ponnusamy S IM, Foroughi B, Hyun SS. Drivers and outcomes of Instagram Addiction: Psychological well-being as moderator. *Computers in Human Behavior*. 2020;1;107:106-294.
26. M G. The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and emotion*. 2003;27(3):199-223.
27. MA B. The Basic Needs Satisfaction in General Scale: Reliability, validity, and factorial analysis. *Quarterly of Educational Measurement*. 2013;22;4(14):147-68.
28. Panayides P WM. Evaluation of the psychometric properties of the Internet Addiction Test (IAT) in a sample of Cypriot high school students: The Rasch measurement perspective. *Europe's Journal of Psychology*. 2012;29;8(3).
29. Zamen-Yamchi S SZ. The relationship between the addiction of social networks with lifestyle and communication with parents. *Community Health (Salāmat-i ijtimāi)*. 2018;6(1):11-8.
30. Khanjani M SS, Fathabadi J, Mazaheri MA, Shokri O. Factor structure and psychometric properties of the Ryff's scale of Psychological well-being ,short form (18-item) among male and female students. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*. 2014;22;9(32):27-36.
31. A C. From attachment to addiction: The mediating role of need satisfaction on social networking sites. *Computers in Human Behavior*. 2019;1;98:80-92.
32. Classen B WJ, Davies P. Social network sites, fear of missing out, and psychosocial correlates. *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*. 2020;10;14(3).
33. Gao Q LY, Zhu Z, Fu E, Bu X, Peng S, Xiang Y. What links to psychological needs satisfaction and excessive WeChat use? The mediating role of anxiety, depression and WeChat use intensity. *BMC psychology*. 2021;9(1):1.
34. Kozan HA BM, Kesici S, Arpacı I. The role of personality and psychological needs on the problematic internet use and problematic social media use. *The Turkish Journal on Addictions*. 2019;6(2):203-19.
35. Liu Z HK, Wang R, Jiang J. Do you manage self-image on WeChat moments? Causality orientations, basic psychological needs and self-presentation. *Current Psychology*. 2020;11:1-2.
36. Barasch A BJ. Broadcasting and narrowcasting: How audience size affects what people share. *Journal of Marketing Research*. 2014;51(3):286-99.
37. Dumas TM M-SM, Davis JP, Giulietti PA. Lying or longing for likes ?Narcissism, peer belonging, loneliness and normative versus deceptive like-seeking on Instagram in emerging adulthood. *Computers in human behavior*. 2017;1;71:1-0.
38. Verduyn, P. Ybarra, O. Résibois, M. Jonides, J. and Kross, E. Do Social Network Sites Enhance or Undermine Subjective Well-Being? A Critical Review. *Social Issues and Policy Review*, 2017,11: 274-302.
39. Wang, S. S. "I Share, Therefore I Am": Personality traits, life satisfaction, and Facebook
40. check-ins. *Cyberpsychology, Behavior and Social Networking*, 2013, 16(12), 870–877.
41. Zhao, L. The impact of social media use types and social media addiction on subjective well-being of college students: A comparative analysis of addicted and non-addicted students. *Computers in Human Behavior Reports*, 2021, 4, 100122

42. Neufeld A MG. Exploring the relationship between medical student basic psychological need satisfaction, resilience, and well-being: a quantitative study. BMC Medical Education. 2019;19(1):1-8.
43. Tang M WD, Guerrien A. A systematic review and meta-analysis on basic psychological need satisfaction, motivation, and well-being in later life :Contributions of self-determination theory. PsyCh journal. 2020;9(1):5-33.